

تأملی بر چرایی قرار گرفتن فیلم‌های «ده‌نمکی» در صدر فروش سالانه سینمای ایران

چرا مردم استقبال می‌کنند و عده‌ای می‌ترسند؟

۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۰:۳۲

استدلال‌های یک طیف در مواجهه با فروش زیاد فیلم‌های ده‌نمکی، دقیقاً شبیه نظر آن دسته از رسانه‌های معارض خارجی است که توزیع ساندیس را عامل حضور پررنگ مردم ایران در راهپیمایی‌های ملی و انقلابی می‌دانند!

به گزارش سایت جوان و تاریخ، وبلاگ کارگری در روزنامه نوشت: سینمای ایران با یک شگفتی دیگر روبرو شده است؛ باز هم فیلمی از «مسعود ده‌نمکی» در حال ثبت رکورد پرفروش‌ترین فیلم سال به نام خودش است؛ شگفتی از این نظر که «معراجی‌ها» اتفاقاً یک فیلم گیشه‌ای نیست.

اگر چند شوخی ساده و معمولی و کمدی کلامی نحیف و لاغر این فیلم را فاکتور بگیریم، پنجمین فیلم سینمایی مسعود ده‌نمکی، ظاهراً هیچ عاملی برای اینکه به چنین استقبال و فروش حیرت‌انگیزی دست یابد ندارد؛ به طوری که این فیلم تا پایان فروردین، حدود ۵ میلیارد تومان فروش داشته و احتمالاً تا انتهای اکران خود به رقم فروش ۶ میلیارد تومانی دست خواهد یافت؛ با این اوصاف، بعید است که فیلم دیگری در سال جاری بتواند در جدول فروش فیلم‌ها بالاتر از «معراجی‌ها» قرار بگیرد.

این بار هم نظرهای عجیب و غریبی برای توجیه دلیل استقبال گسترده از فیلم ده‌نمکی ارائه شد؛ برخی از اهالی رسانه، قبلاً دلیل ایستادن سه گانه «خراجی‌ها» در صدر جدول فروش سال سینمای ایران را تابوشکنی و طنز می‌دانستند؛ درباره پرفروش شدن «رسوایی» هم دلایلی چون آرایش غلیظ بازیگر نقش اول این فیلم مطرح شد!

اما درباره «معراجی‌ها» هیچ یک از این دلائل محکمه‌پسند نیست؛ چون این فیلم، هیچ کدام از شاخصه‌های قبلی فیلم‌های ده‌نمکی را ندارد؛ نه طنز تابوشکنانه‌ای در آن دیده می‌شود و نه آرایش غلیظی!

با این حال توجیه‌گرها بیکار ننشسته‌اند و این بار دلائلی چون بردن دانش آموزان مدارس به تماشای این فیلم و انتشار بلیط نیم‌بها و ... به عنوان عامل فروش زیاد این فیلم بیان شده‌اند.

غافل از اینکه این نخستین بار نیست که مدارس، دانش آموزان را برای تماشای یک فیلم به سینما می‌برند و توزیع بلیط نیم‌بها هم قبلاً برای فیلم‌هایی چون «جدایی نادر از سیمین» و «دربند» و خیلی دیگر از فیلم‌ها اتفاق افتاده بود، اما فروش همین فیلم‌ها از

فروش فیلم‌های دهنمکی پایین‌تر بوده است.

پس چه دلائلی را می‌توان برای صدرنشین شدن فیلم‌های دهنمکی در فروش سالیانه سینمای ایران آورد؟ به ویژه اینکه کاملاً مشهود است، «معراجی‌ها» از نظر هنری و ساختاری حرف‌چندانی برای گفتن ندارد؛ اصلاً در آن ساختار دراماتیک دیده نمی‌شود؛ یعنی داستان بی‌فراز و فرود و کم‌رمقی دارد، یا به عبارتی اصلاً داستان ندارد.

تنها نقاط قابل توجه آن، بازسازی نزدیک به واقع فضای مردمی دهه ۶۰ و برخی از صحنه‌های جنگی است؛ به همین دلائل هم هست که اهالی فرهنگ و سینمای ما باید درباره استقبال خارق‌العاده مردم از این فیلم اندیشه و با الهام از نتایج چنین اندیشه‌ای، برای حل بحران مخاطب در سینمای کشور، چاره‌اندیشی کنند.

بدون تردید، بروز چنین پدیده‌هایی ناشی از سبک منحصر به فرد خود دهنمکی است؛ یعنی او در ساخت آثارش به نکاتی دقت می‌کند که اغلب فیلمسازان اصلاً توجهی به آنها ندارند؛ شاید یکی از شاخصه‌های اصلی فیلم‌های این کارگردان، برخورداری از وجه قهرمانی و اسطوره‌ای است.

یعنی ما در همه فیلم‌های دهنمکی با شخصیت‌هایی مواجه می‌شویم که در ذهن توده مردم به عنوان قهرمان و ابر انسان شناخته می‌شوند؛ نمود چنین قهرمان پردازی‌هایی، مجید سوزوکی «اخراجی‌ها ۱» بود؛ وجود قهرمان در سینما از آنجا حائز اهمیت است که با نگاهی به پرتماشاگرترین فیلم‌های سینمای ما، می‌توان به وضوح، قهرمان محور بودن اینگونه آثار را دید.

مثلاً پرتماشاگرترین فیلم تاریخ سینمای ایران، «عقاب‌ها» به کارگردانی ساموئل خاچیکیان است که یک فیلم قهرمان پردازانه محسوب می‌شود؛ محبوب‌ترین فیلم سینمای ایران در تمام نظرسنجی‌ها «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی کیاست که این فیلم هم با قهرمانی به نام «حاج کاظم» شناخته می‌شود؛ حتی فیلم‌های پراقبال سینمای قبل از انقلاب هم قهرمان‌گرا بودند.

اما گذشته از این، دهنمکی معمولاً در فیلم‌هایش به سوژه‌های کنجکاوی برانگیزی می‌پردازد که این هم ریشه در سبقه و روحیه ژورنالیستی او دارد؛ چنانچه وی قبل از ورود به کار فیلمسازی، یک روزنامه نگار بود؛ هر ۵ فیلم دهنمکی دارای موضوعات تقریباً دست‌نخورده و ملتهبی هستند؛ ضمن اینکه کارگردان «معراجی‌ها»، همه زندگی خود را در میان فرودست‌ترین لایه‌های اجتماعی و در میان مردم عادی گذرانده است.

برخلاف اغلب سینماگران ما که با عامه مردم سرزمین خود فاصله دارند و بیشتر زندگی خود را در طبقات متوسط و مرفه جامعه گذرانده‌اند؛ به عبارتی دیگر، دهنمکی از نوعی بینش و روحیه جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی غیرآکادمیک و غریزی برخوردار است که همین عامل به برقراری ارتباط او با مخاطب، کمک شایانی می‌کند.

یکی از عواقب گسست میان فیلمسازان و مردم طی سال‌های اخیر، شیوع گسترده فیلم‌های کپی برداری شده از نمونه‌های خارجی بوده است. خیلی از فیلمسازان ما یا در کلیت اثر خود یا در سوژه و یا برخی از صحنه‌ها، از فیلم‌های داخلی و خارجی دیگری تقلید می‌کنند. اما آثار مسعود ده نمکی با همه نقاط ضعفشان - به جای کپی از فیلم‌های دیگر، از مردم، از ذائقه سلیم عامه و روحيات و اعتقادات و اسطوره‌های ذهنی مردم الهام گرفته‌اند. و البته همه این شاخص‌ها با زبان طنز و شوخی ترسیم می‌شوند که برای مخاطب عام، جذابیت بیشتری هم دارد.

اما متأسفانه می‌بینیم بسیاری از فیلمسازان یا منتقدانی که ادعای روشنفکری دارند به جای توجه به چنین مسائلی که می‌تواند برای سینمای کشور راهگشا باشد، به طور مطلق به نفی فیلم‌های ده نمکی و حتی مردمی که از فیلم‌های وی استقبال می‌کنند می‌پردازند. البته این نخستین بار نیست که جریان‌ها به ظاهر روشنفکری در برابر هرآنچه وجه مردمی و ملی دارد، موضع منفی و تخریبی می‌گیرند.

استدلال‌های این طیف در مواجهه با فروش زیاد فیلم‌های ده نمکی، دقیقاً شبیه نظر آن دسته از رسانه‌های معارض خارجی است که توزیع ساندیس را عامل حضور پررنگ مردم ایران در راهپیمایی‌های ملی و انقلابی می‌دانند!

اتفاقاً مشکل اساسی جریان روشنفکرانما در برابر ده نمکی بیشتر نمایان می‌شود؛ افراد منتسب به این جریان همواره چون از درک مردم و قدرت تحلیل حرکت‌های مردمی ناتوان بوده، رو به توهین به مردم و حرکت‌های مردمی آورده‌اند؛ اما تجربه نشان داده که همیشه روشنفکرها حرف خودشان را می‌زنند و مردم کار خودشان را انجام می‌دهند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۴۹۸۱/چرا-مردم-مپ-استقبال-مردم-کنند-مپ-عده-کنند-مپ-آید-ترسند-مپ>